



پروہ شہ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تاریخ و تمدن

مختصر شرح ماجرای دوران انتقال

در نهم اوت ۱۹۱۹ با فشارهای سیاسی، نظامی انگلستان، قراردادی ننگین بدون تصویب مجلس ایران، به دولت وقت و گروه آنگلو فیل که کا بیئه و ثوق الدوله نماینده آن بود، تحمیل می‌شود. طبق این قرارداد دولت انگلستان می‌توانست با اختیارات تام و وسیع، نمایندگان و مستشاران خود را به تمام وزارتخانه‌ها و ادارات ایران و دوایر تابعه آنها و نیز به نیروهای مسلح روانه کرده و خواستهای استعماری خود را تجدید سازمان نماید. قرارداد ۱۹۱۹ در محافل دولتی به نام موافقت‌نامه کمک بریتانیای کبیر برای ترقی و تعالی ایران خوانده می‌شد. پس از عقد قرارداد فوق، میهن پرستان مبارزه خود را علیه آن آغاز کرده و احمد شاه آخرین پادشاه سلسله قاجاریه نیز از امضای آن امتناع ورزید.

عاقدان قرارداد ۱۹۱۹ به علل مختلف از جمله اختلافات و تناقضات موجود بین امپریالیستهای بین‌المللی و مبارزات حق طلبانه مردم ایران نتوانستند تا آخر بند بند این قرارداد را به مرحله اجرا درآورند. اوج‌گیری مبارزات مردم ایران علیه قرارداد ۱۹۱۹ و قیام‌مکراتهای آذربایجان که در رأس آن روحانی مبارز شیخ محمد خیابانی قرار داشت، در رشد جنبش ملی ایران که در آن سالها علیه انگلستان پا گرفته بود، تأثیر فراوانی بجا گذاشت و در نتیجه دولت ارتجاعی و ثوق الدوله استعفا داد.

بعد از استعفای و ثوق الدوله، دولت مشیرالدوله جانشین آن می‌شود و همانند دولت قبلی به اعمال فشار علیه دموکراتهای آذربایجان و جنبش ملی ایران دست می‌زند و اقداماتی جهت سرکوب آنان به عمل می‌آورد. انگلستان از دولت مشیرالدوله می‌خواهد تا فرماندهی دسته قزاق ایران را به افسران آن کشور واگذار کند. امتناع از تقاضای انگلیسها و فشار آنان بر دولت مشیرالدوله به ناچار مشیرالدوله را مجبور به اسعفا در ۲۷ اکتبر ۱۹۲۰ می‌کند. پس از استعفای مشیرالدوله، سپه‌دار به سمت نخست‌وزیری گمارده می‌شود و انگلستان به فکر کودتائی می‌افتد که آن کودتا بتواند منافع انگلستان را در ایران حفظ نماید. انگلیسها برای اینکه این کودتا انجام بگیرد، در تهران کمیته‌ای بسیار مخفی و به اصطلاح «آهتین» به ریاست سید ضیاءالدین طباطبائی و با شرکت فیروز میرزا نصرت‌الدوله تشکیل می‌دهند. به قول مورخین، نقشه کودتا در لندن با حضور نصرت‌الدوله تنظیم شد و انگلیسی‌ها برای انجام دادن این توطئه، رضاخان را که کلنل دسته‌های قزاق بود به طرف خود جلب کردند. رضاخان از دوران جوانی در دسته قزاقان ایران خدمت می‌کرد و همراه با سربازان انگلیس در سرکوب نهضت انقلابی گیلان به رهبری میرزا کوچک‌خان شرکت داشت. وی قبل از کودتای دولتی، بنا به دستور و پیشنهاد ژنرال آیرون‌ساید فرمانده نیروهای مسلح انگلیس در ایران، به فرماندهی تیپ قزاقان ایران گمارده شد.

در سال ۱۲۹۹ شمسی دستجات قزاق به فرماندهی رضاخان از قزوین وارد تهران شدند و کودتای دولتی را به مرحله اجرا درآوردند و بعد از کودتا، دولت جدیدی به ریاست سید ضیاءالدین طباطبائی در ایران تشکیل شد و به فرمان احمد شاه، رضاخان به سردار سپه ملقب گردید و رسماً فرمانده تیپ قزاق شد و چند ماه بعد پست وزارت جنگ را اشغال کرد.

رضاخان بعد از انتصاب به پست وزارت جنگ، در سمت نخست‌وزیر به کار گمارده می‌شود و در این سمت، احمدشاه را وادار می‌نماید

که به خارج از کشور مسافرت کند. پادشاه هنگام مسافرت به خارج، برادر خود را به مقام نایب السلطنه منصوب می‌کند و رضاخان وی را موظف می‌سازد که در امور دولتی دخالت نکند. در آن زمان عملاً حکومت دیگر در دست قاجارها نبوده و سلسله قاجاریه منقرض گشته بود. رضاخان ضمن کوشش برای کنار گذاشتن قاجارها از سلطنت، چندین شورش از جمله شورش شیخ خزعل و اسمعیل سمیتقو را سرکوب می‌کند. بعد از سرکوب شورشها، مجلس در زیر فشار فرماندهان لشکرهای نظامی که تهران را به اشغال تهدید می‌کردند، برخلاف قانون مشروطیت ایران که فرماندهی کل قوا را استثنائاً به شاه واگذار می‌نماید، فرماندهی کل قوای نظامی و پلیس را به رضاخان واگذار نمود و پس از چندی بنا به پیشنهاد تدین نایب رئیس مجلس شورای ملی و یکی از افراد بسیار نزدیک به رضاخان، مجلس دوره پنجم تصمیم گرفت که سلسله قاجاریه را منقرض اعلام نموده و اداره موقت کشور را به رضا خان بسپارد. یک روز پس از انقراض سلسله قاجاریه، رضاخان به منظور جلب نظر مالکان، بازرگانان و بعضی از روحانیون و بخشی از اقلیت مردم، بوسیله مجلس مؤسسان پادشاه ایران می‌شود.

اینک به شرح گروههای تئاتری که از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ در تئاتر تبریز به فعالیت مشغول بوده‌اند، می‌پردازیم:

آئینه عبرت:

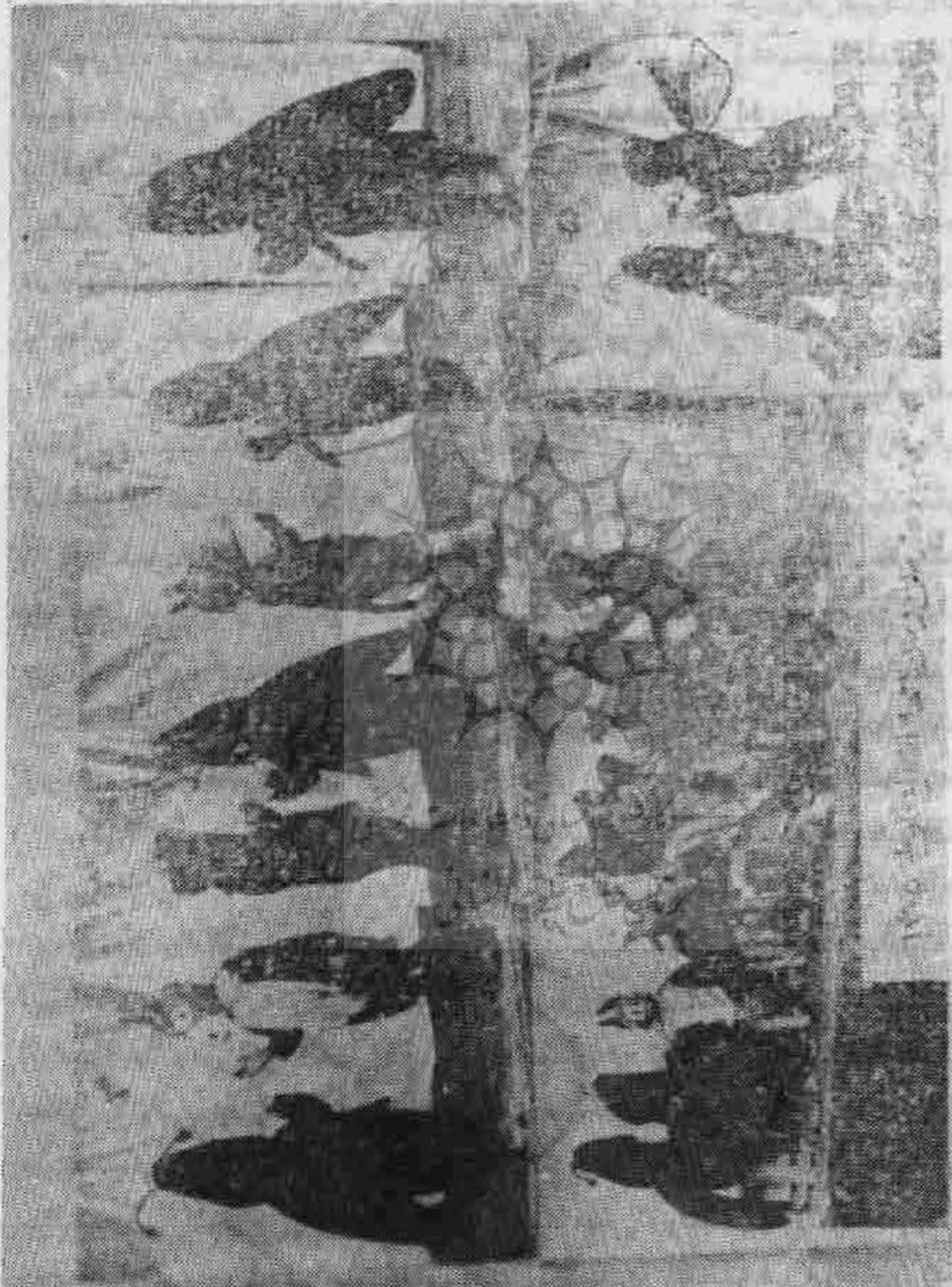
آکتورال آئینه عبرت در سال ۱۳۰۰ شمسی تأسیس یافت. آئینه عبرت از سوی «اجتماعیون عامیون» اداره می‌شد. در این گروه علاوه بر هنرمندان تئاتر، روشنفکران آن دوره نیز حضور داشتند. از اعضای معروف این گروه می‌توان جبار باغچه‌بان، جعفر ادیب، هلال ناصری، اصغر ارژنگی را نام برد. در اسناد تئاتر تبریز، نام مهدی ظهیری جزو کارگردانهای این گروه آمده است. این آکتورال تا سال ۱۳۰۶ شمسی به فعالیت خود ادامه داد. و پس از مدتی به علت فشارهای سیاسی بیش از حد حکومت کودتا منحل شده و در آکتورال تبریز که به سرپرستی رضا قلی‌زاده فعالیت می‌نمود ادغام گردید.

جعفر جعفروف در مقاله «نخستین تروپهای تئاتری آذربایجان جنوبی» می‌نویسد: «یک سال پیش از ساختمان تئاتر شیر و خورشید سرخ، تروپ آئینه عبرت تشکیل شده بود و با موفقیت بزرگی برنامه اجرا می‌کرد. به تروپ خادمان بزرگ فرهنگ و تمدن آذربایجان از جمله جبار باغچه‌بان... از نزدیک کمک می‌کردند و صلاح کار تروپ را خوب می‌دیدند. روزهای جمعه برای کارگران به قیمت ارزانی نمایش می‌دادند. این نمایشها خالی از اهمیت سیاسی هم نبود. هدف عمده تروپ عبارت از شناساندن دشمنان مردم و بیدار کردن آنها بود...»

تاریخ تأسیس آکتورال آئینه عبرت در مقاله جعفروف به غلط سال ۱۹۲۶ میلادی مطابق با ۱۳۰۵ شمسی قید گردیده است که بر پایه اسناد و مدارک معتبر، تشکیل آئینه عبرت سال ۱۲۰۰ شمسی بوده است. اعضای این گروه از جمله جبار باغچه‌بان نه تنها در عالم تئاتر فعالیت مستمر و پی‌گیر داشته‌اند بلکه در زمینه‌های ادبی، فرهنگی و آموزشی نیز فعالیت‌های چشمگیری انجام می‌داده‌اند. باغچه‌بان در سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۶ شمسی بجز فعالیت تئاتری در آکتورال آئینه عبرت، مستقلاً کودکان را بنیان می‌گذارد که هدف آن تعلیم و تربیت کودکان، مخصوصاً کودکان عقب مانده بود، است. باغچه‌بان در زمینه تعلیم و تربیت کودکان از روشهای سمعی و بصری مخصوصاً تئاتر سود می‌جست. عکسی از صحنه‌های اجرای یک نمایش را که به وسیله کودکان برای کودکان در سال ۱۳۰۵ شمسی در کودکان باغچه‌بان بازی شده است، در اینجا می‌بینیم:

این اجرا نمایشنامه شهر قصه اثر بیژن مفید را برایمان تداغی می‌کند، اگر بیژن مفید محتوای فکری نمایشنامه شهر قصه را در دهه پنجاه از زبان حیوانات بازگو کرده است، باغچه‌بان شصت و دو سال پیش با کودکان برای کودکان از زبان حیوانات مسائل تعلیم و تربیت را بیان نموده است.

تاریخچه تازان بریز
تاریخچه تازان بریز
تاریخچه تازان بریز



تاریخچه تازان بریز
تاریخچه تازان بریز
تاریخچه تازان بریز

تاریخچه تازان بریز
تاریخچه تازان بریز
تاریخچه تازان بریز

وقتیکه تشخیص مرض را جهالت و بی‌علمی دادیم کدام معالجه بهتر از نشر علوم و تعمیم معارف خواهد بود؟ در صورتیکه فساداخلاق و کسالت و تن‌پروری و شیوع امراض هنرمند و عادات مضره را مانع از وصول به مقصد دانیم. چه بهتر از اینکه با وسایل علمی خارهای مسموم را از سر راه براندازیم تا شاهد مقصود را دربرگیریم، اصول مسلمة کفالت مشترکه حکم می‌کند که تمام افراد به موجب قرارداد ضمنی، بدیون جامعه بوده، با وسایل مختلفه باید در مسائل اجتماعی و زحمات نوعی اشتراک و ذمه خود را بری و فارغ سازد، در صورت تصدیق و اذعان به اینکه در منافع و مضار، شریک و در خیر و شر، سهیم همدیگر هستیم. تجمع افراد و تمرکز قوای فکری علاقه‌مندان سعادت جامعه نیز ضروری بوده و توجه مساعی را ایجاب می‌نماید. چه خدمتی مقدس‌تر از اصلاحات روحی و اخلاقی و کدام زمینه مناسب‌تر از عائم معارف و قلوب صافی جوانان؟ جمعیت اصلاح و ترقی معارف، مرض را تشخیص داده و معالجه قطعی را می‌جوید با متانت و دوام، مقصد را شناخته به سویش می‌رود. بیدرتگت و آرام، جمعیت اصلاح و ترقی منادی ترقی را لبیک‌گویان، همان صدا را به تمام محیط پهن‌آور خود منعکس‌کنان، آغوش خود را برای پذیرفتن جوانان با حس باز نموده...»

در ادامه گزارش آمده است:

«... امشب شب اختتام سال دویم تأسیس جمعیت ما است. چون حضرات شما را حس معارف‌پروری و تشویق افکار جوان بدین محفل سوق داده و ما هم مولود این محیط هستیم، اجازه می‌طلبیم که خلاصه عملیات دو ساله خودمان را پس از عرض تشکرات صمیمانه از معارف‌پروری آقایان اختصاراً بعرض برسانم.

«... خط مشی ما عبارت از این است که به طور قطع و حتم در سیاسات و جریانات ملاحظه ننموده، جز نشر علوم و تنویر افکار و تهذیب اخلاق جوانان هیچ وظیفه نشناسیم، در عین حال نسبت به تمام احزاب مقدسه و جمعیت‌های سیاسی و غیر سیاسی و اجتماعات، احترام

و نزاکت را مرعی داشته و کمال بی طرفی را پیشه خود ساخته، از هر شخصی یا جمعی که نسبت به ما ابراز مساعدت شود، متشکراً پذیرفته، در مقابل بی و اشکال تراشی اگر خدای نخواستہ اتفاق افتد، با سکوت و بردباری گذرانیده، طرف مقابل را مغلوب محبت و پاکدانی خود سازیم. اما عملیات ما در مدت دو سال گذشته از این قرارند:

«۱- شعبه ورزش در تاریخ ۱۳۰۲ تشکیل، مقداری اشیاء و غیره تهیه شده که الساعه موجود است. به واسطه بی رغبتی جامعه در بوته اجمال مانده، در سر آنیم که چندی دیگر مجدداً تعقیب نمائیم.

«۲- در حوت ۱۳۰۲ تأسیس يك شعبه آکتوری که تاکنون دوام نموده، فعلاً به نام آرین معروف و دارای چهل نفر عضو است که دائماً رو به ترقی و تکامل پیش رفته و بر اطلاعات فنی و علمی فرود می افزایند.

«۳- در حوت ۱۳۰۳ يك مؤسسه اقتصادی مهم به نام شرکت تعاونیه صداقت با يك اصول علمی و عملی که مورد سرزتش دیگران نگردد ایجاد و تاکنون قریب پانصد تومان سرمایه جمع آوری شده، امید است پس از رفع نواقص باب جدیدی از مفهوم حقیقی شرکت و تعاون به روی جامعه گشوده، خدمتی بر اقتصادات و اخلاق معیشت بنماید.

«۴- تشکیل شعبه ادبیه مرکب از ۲۰ نفر برای نشر و توسعه ادبیات فارسی در جامعه خودمان و تهیه وسائل لازمه برای طالبین تحصیل ادبیات.

«۵- تأسیس يك مؤسسه بس مهم به نام دارالترجمه برای ترجمه کتب از السنه خارجه به فارسی. فعلاً این مؤسسه دارای قریب سی نفر عضو است که به ترتیب ذیل تقسیم شده: قسمت فرانسه ۱۳ نفر، روسی ۴ نفر، انگلیسی ۳ نفر و قسمت تدوین ۸ نفر که مدت يك ماه و نیم اخیر متجاوز از ۷۰۰ صفحه از بهترین آثار نویسندگان معروف فرانسه و قطعات تیاتر ترجمه شده..

«۶- ایجاد يك صحنه کوچک در محله چهار انداب از طرف اعضاء آکتورهای آرین...»

گزارشگر در ادامه مطالب خود از دیگر فعالیتهای جمعیت اصلاح و

ترقی معارف سخن می گوید که به علت عدم ارتباط آنها با بحث ما، گزارش فوق را خاتمه می دهیم.

این گزارش که به وسیله یکی از مسئولین جمعیت اصلاح و ترقی معارف برای تماشاگران نمایشنامه مکر زنان خوانده شده است، تأسیس جمعیت اصلاح و ترقی را سال ۱۳۰۲ شمسی معلوم می کند، اما منابع دیگر از جمله مقاله جعفر جعفروف تأسیس آنرا بشرح زیر بیان می دارد: «... در سال ۱۹۱۹ میلادی (= ۱۲۹۸ شمسی) تروپ دیگری در تبریز تشکیل شد. رهبر این تروپ بیوک خان نخجوانسکی بود... یک سال بعد در تبریز جمعیت اصلاح و ترقی تشکیل شد که خود را وقف کارهای فرهنگی و تربیتی کرده بود. به نام همین جمعیت تروپ تئاتری نوی شروع به فعالیت کرد. به زودی تروپ بیوک خان نخجوانسکی و تروپ اصلاح و ترقی دست به یکی شدند. بعد از پراکنده شدن جمعیت اصلاح و ترقی، تروپ نخجوانسکی به فعالیت ادامه داد».

آکتورال آرین:

آکتورال آرین در سال ۱۳۰۲ شمسی به همت و پایمردی بیوک خان نخجوانی و در شرایطی که گروههای کوچک به علل مختلف از جمله مشکلات مالی از هم می پاشیدند، از زبده ترین فعالین تئاتر تبریز تشکیل شد.

گروه تئاتر آرین تنها تشکیلات هنری منسجم و متشکل تئاتر تبریز بود که توانست با مدیریت و نظم خاص بنیانگذارش، هیجده سال به طور مستمر و مداوم به زندگی هنری خود ادامه دهد. از شرح و حال بیوک خان نخجوانی اطلاع درستی در دست نداریم. ولی می دانیم که تحصیلات تئاتری را در آذربایجان شمالی به اتمام رسانده و در گروه تئاتر «علی بایرام اف» به فعالیت مشغول بوده است. نخجوانی پس از اینکه انقلاب سوسیالیستی در سال ۱۹۱۷ در روسیه به وقوع می پیوندد، روانه دیار آبا و اجدادیش شهر تبریز می شود. او آموخته های خود را از تئاتر در اختیار دست اندرکاران و فعالین تئاتر قرار داده و در زمینه هنرپیشه گی کلاسهای مفیدی دایر می کند.



انقلاب و عدالت



دهمین سالگرد انقلاب اسلامی



پایتخت انقلاب

تاریخچه و سیرت بیوک خان نغجوانی



بیوک خان نغجوانی

تاریخچه و سیرت بیوک خان نغجوانی

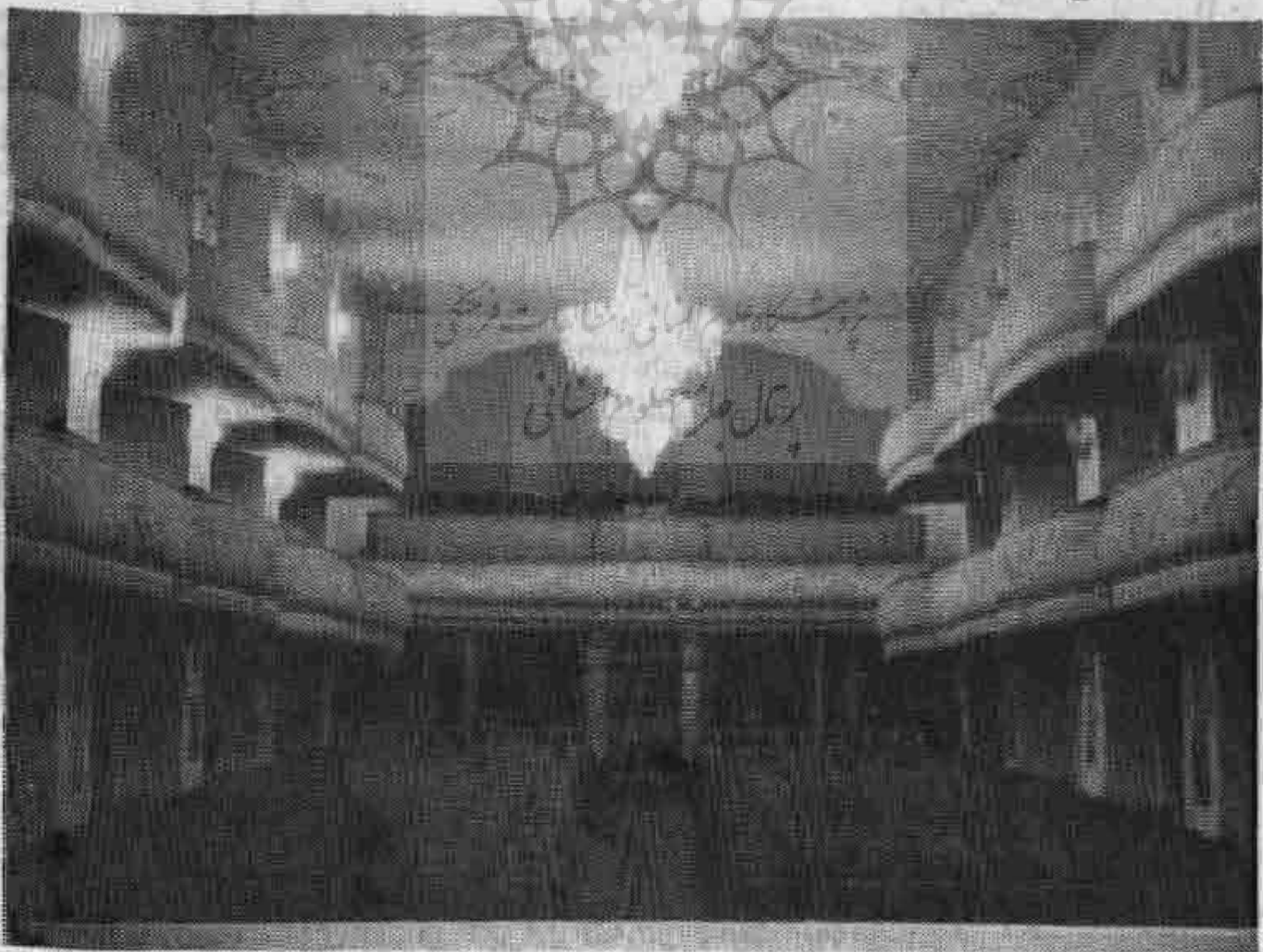
جعفر جعفروف در مقاله «نخستین تروپ‌های تئاتری آذربایجان جنوبی» تأسیس گروه تئاتر آرین را ۱۹۱۹ میلادی مطابق با ۱۲۹۸ شمسی ذکر می‌کند. بر پایه اسناد و مدارک موثق، گروه تئاتر آرین در سال ۱۳۰۲ شمسی تأسیس یافته است. مقاله جعفروف اطلاعاتی را درباره این گروه به دست می‌دهد که جهت آگاهی قسمتی از آنرا برمی‌گزینیم:

«... در سال ۱۹۱۹ تروپ دیگری در تبریز تشکیل شد. رهبر این تروپ بیوک‌خان نخجوانسکی بود. نوآوری‌های او در تئاتر تبریز اهمیت زیادی دارد. به تئاتر جان تازه‌ای دمید، هنرمندانی با استعداد تربیت کرد و روی کار آورد. یکسال بعد در تبریز جمعیت «اصلاح و ترقی» تشکیل شد که خود را وقف کارهای فرهنگی و تربیتی کرده بود. به نام همین جمعیت، تروپ تئاتری نوی شروع به فعالیت کرد. به زودی تروپ بیوک‌خان نخجوانسکی و تروپ اصلاح و ترقی دست‌به‌یکی شدند. بعد از پراکنده شدن جمعیت اصلاح و ترقی، تروپ نخجوانسکی به کار خود ادامه داد و با قدرت‌ترین آکتورهای تبریز را دور خود جمع کرد. نخجوانسکی پیش از این در تئاترهای حرفه‌ای باکو روی صحنه آمده بود و تجربه کافی اندوخته بود. نخجوانسکی می‌کوشید که نمایش‌های تروپ را زیر رهبری خودش تا حد نمایش‌های اصیل حرفه‌ای بالا بیاورد. تروپ‌های تئاتری این دوره بی‌اینکه تجربه کافی بیندوزند، پراکنده می‌شدند و از بین می‌رفتند. این امر چند علت داشت. از یک طرف فشار روحانی‌نماها، از طرف دیگر نبودن محل دائمی نمایش موانع زیادی پیش می‌آورد. زنها نمی‌توانستند روی صحنه بیایند و این خود مسئله سخت و حل‌نشدنی دیگری بود. معمولاً رل‌زن‌ها را مردها بازی می‌کردند. گاهی هم دختران ارمنی روی صحنه می‌آمدند. اما زبان و تلفظ خاص آنها سطح نمایش‌ها را پایین می‌آورد^۳. در این دوره که می‌شود آنرا اولین مرحله تئاتر آذربایجان جنوبی نامید، با وجود اینکه تروپ‌های تازه‌ای پشت سر هم تشکیل می‌شد، تئاتر چندان سر و سامانی نیافت. بازیگرها اغلب فقط تمایل قلبی داشتند، حرفه‌ای

نبودند.

مرحله دوم رونق تئاتر تبریز از ۱۹۲۱ شروع می‌شود. در این دوره شماره مدارس جدید زیاد می‌شود، فرهنگ و تمدن تا حدی پیشرفت می‌رود و همدوش با همه اینها تئاتر هم رونق می‌یابد، کیفیت نمایشها و دکورها بهتر می‌شود. تغییر طرز فکر مردم نسبت به تئاتر هم خود کمک بزرگی به این امر بود.

در سال ۱۹۲۶ (= ۱۳۰۵) تئاتر شیر و خورشید سرخ بنا شد. این تئاتر گنجایش هشتصد نفر تماشاچی را داشت و دارای لژهای زیبا و اتاق‌های مخصوص لباس پوشیدن بازیگران بود. سالن شیر و خورشید سرخ بنا به مدارک موجود از جمله گزارش روزنامه تبریز در شهریور ماه ۱۳۰۶ شمسی با نمایشنامه‌ای از گروه تئاتر آرین و به وسیله رضا خان افتتاح شده است.



تئاتر شیر و خورشید

قسمتهایی از گزارش افتتاح سالن فوق را از روزنامه تبریز انتخاب کرده و درج می‌کنیم:

«... شب پنجشنبه ساعت هشت بعد از ظهر خبر تشریف‌فرمایی اعلیحضرت... به باغچه ملت در میان اهالی پیچید. کسانی که در گاردن پارتنی مشغولیتی پیدا کرده بودند، با وجود آنهمه مشغولیات جالب توجه که تمام افکار و حواس اهالی را جذب نموده بود، تماماً از کار خود دست کشیده و به طرف درب باغ هجوم‌آور شدند. کار به جایی رسید که نفرات آژان و نظام مداخله نموده اهالی را وادار به صف بستن نمودند. در این بین، وضع خیابان نیز مثل باغ بود. در پیاده‌روها و قسمتی هم از کالسکه‌روهای خیابان صف اهالی اشغال نموده منتظر «اعلیحضرت» بودند. اعلیحضرت از میان مردم عبور کرده و... وارد راهرو صحنه گردیدند... تا ممیزی بلیط‌ها تمام گردید و اهالی به موجب نمره بلیط روی صندلی‌ها قرار گرفتند. اعلیحضرت از سالن وارد لوژ مخصوص سلطنتی که تهیه شده بود گردیدند... لوژ رنگ شده بود با رنگ آبی و تمام ملزومات لوژ تیز آبی رنگ بود و حتی پرده مخصوصی از مخمل آبی رنگ به جلو لوژ آویخته شده بود...»

بعد از اینکه مردم و رضاخان با اطرافیان در صندلی‌های خود قرار می‌گیرند، برنامه افتتاحیه سالن که يك نمايش ملی و میهنی بود به وسیله گروه تئاتر آرين اجرا می‌شود. روزنامه تبریز گزارشی از محتوا و مضمون این نمايش ملی و میهنی به چاپ رسانده است که قسمتهایی از آن را درج می‌کنیم:

«... از پشت پرده کوه‌ها و جنگلهای ایران نمودار گردید، در میان آن تپه‌ها و جنگلهای لباسهای مختلف نژاد ایرانی که در تن عنصر ایران نژادان بوده نمودار گردید. گرچه آرتیستهایی که در لباس مختلف بودند سرود نجات ایران و نجات‌دهنده آن را می‌خواندند، ولی زبان حالشان گویا بوده که چنانکه امروز در يك خط مستقیم زیر پناه مادر وطن، در تحت لوای بیرق ایران که در دست نظامیان در اهتزاز است، خدمت می‌کنیم، همچنان توقع داریم که لباس ما را نیز فرم و يك رقم

بنمائید تا اختلاف جزئی، ظاهری نیز برداشته شود...»
 در ادامه گزارش فوق می‌خوانیم: «یک نفر نظامی بیرق سبز رنگت
 شیر و خورشید ایران در دست، بالای تلی ایستاده و در بالای سر آن
 نظامی، مادر وطن تاج در سر نشسته و دو نفر ملکی که احاطه داشته
 به تاج مادر وطن و بیرق نظامی، تاج دیگری نیز در دست گرفته و تاج
 تمام تمام شبیه بود به تاج امروزی... شاهنشاه... و چراغ الکتریکی
 به طوری این هیبت را تجلیل نموده بود که ما از شرح عاجزیم... و آن
 دو نفر ملك با ترتیب مخصوصی سایه افکن بودند به وجود مادر وطن و
 این بیرق صوری در دست گرفته شده بود که مجسم می‌نمود پیشرفت
 امور را و در تحت لوای شیر و خورشیدی اشخاص سلحشور و رشید و
 فداکار از ایلات مختلف در یمین و یسار تجمع نموده و نشان می‌داد که
 ملت متلاشی ایران امروز با آن اختلاف لباس و فرم يك اتفاق معنوی
 قلبی نموده و قدرشناسی می‌نمایند از موجد امنیت دهنده و خالق قشون
 و روح ملت ایران...»

روزنامه تبریز اشعاری را که در نمایش فوق دکلماسیون شده است
 به شرح زیر چاپ کرده است:

ای بیرق با وقار ایران
 خورشید تو بس که تابناک است
 از صولت شیر دشمنان پیوچ
 چندی تو به دست خصم بودی
 ابنک که رها شدی ز دشمن
 تا هست جهان به اهتزاز آ

از هیبت تو عدوت لرزان
 خیره است از آن دوچشمان عدوان
 وز تیزی خنجرش گریزان
 اکنون به کف دلیر ایران
 پرچم ز دست پهلوی مان
 در لرزه بیار دشمن مان

جواب اشعار به وسیله جمعیت مختلف اللباس بصورت کر بیان و دکلمه
 می‌شده که ذیلا درج می‌شود:

زنده باد پاینده بادا آن
 آن سلطان کل ایرانیان
 مادر ایران زنده شد
 تا دشمنان پژمرده شد

آن ناجی جمله ایرانیان
 و سپاهیان این وطن
 زنده شد هم پاینده شد
 آباد شد هم آزاد شد هم

با عدل و داد این سرزمین ای نادر شه بیدار شو
 ببین که در ایران تو شوکت برگشته ز نو
 باد شد هم آزاد شد هم ای خاک آذربایجان
 از ظلمت رها شدیم هان در سایه سلطانمان
 آباد شد هم آزاد شد هم

این نمایش ملی و میهنی که توسط هنرمندان تئاتر تبریز از جمله بیوکخان نخجوانی در حضور رضاشاه پهلوی اجرا شده است، صرفاً یک نمایش فرمایشی بوده و به خواست و فشار امرای ارتش به موقع اجرا درآمده است.

بعد از اجرای نمایش ملی و میهنی، نمایشنامه «طیب اجباری» اثر ولیر به وسیله همان گروه و به کارگردانی بیوکخان نخجوانی در بهار پرده و به زبان فارسی اجرا می‌شود. بنا به گزارش گزارشگر روزنامه تبریز، در پایان پرده سوم این اجرا، رضاشاه پهلوی سالن شیر و خورشید را ترک کرده و پرده چهارم نمایشنامه طیب اجباری را ماسا نمی‌کند. ترک سالن و ندیدن تمامی نمایشنامه آن هم به هنگام افتتاح تماشاخانه شیر و خورشید سرخ، به هر دلیلی باشد، نمایانگر بی‌علاقگی و بی‌توجهی نسبت به هنر و زحمات هنرمندان است. شاید این اولین برخورد غیر هنری رضاشاه پهلوی بعد از به سلطنت رسیدنش با تئاتر و هنر بوده است. گزارشگر در ادامه مطالب خود می‌نویسد:

«... طیب اجباری چهار پرده بوده به طوری که در پروگرام نمایش از طرف هیئت شیر و خورشید سرخ منتشر شده بود، ولی اعلیحضرت... در خاتمه پرده سیم، تشریف‌فرمای سالن پذیرائی شده و آقای حاجی حسینقلی خان رئیس هیئت مدیره شیر و خورشید سرخ را توسط آقای حمد آقاخان امیر لشکر احضار فرمودند. آقای حسینقلی خان جلیلی (حاج ارفع‌الملک) از پله‌ها بالا رفته و به زیارت همابونی شرفیاب گردید. اعلیحضرت با توجهات ملوکانه آقای جلیلی را سرافراز و مفتخر فرمودند. قریب پانزده دقیقه از عملیات هیئت شیر و خورشید سرخ تقدیر فرمودند... و یک قطعه مدال تاجدار... به آقای جلیلی

اعطا فرمودند... اعلیحضرت از پله‌ها به پایین تشریف آورده، هیئت شیر و خورشید سرخ را که عموماً بر پای پله‌ها ایستاده بودند، آقای امیر لشکر فرداً فرد معرفی نمودند. اعلیحضرت... وعده دادند که برای ایشان نیز مدال مرحمت خواهند فرمود. اعلیحضرت... سوار اتومبیل گردیده به طرف نظامیه رهسپار و اهالی با احساسات شرح ندادنی بدرقه می نمودند... اهالی بعد از رفتن شاه مجدداً به صحنه بازگشته و يك پرده دیگر را نیز تماشا نموده نمایش خاتمه یافت».

پس از اجرای نمایشنامه طبیب اجباری، رضاشاه پهلوی و اطرافیان نظامی‌اش به این فکر می افتند که نمایشنامه‌ها زیر نظر آنان و تحت نظارت کمیسیونی متشکل از امرای ارتش و طرفداران رژیم کودتائی اجرا شود. به همین علت در سال ۱۳۰۶ شمسی کمیسیونی به نام «کمیسیون نمایش» به وسیله نظامیان و هنرمندان سرشناس تئاتر تبریز تشکیل می شود. گرچه هدف از تشکیل «کمیسیون نمایش» کنترل محتوای فکری نمایشنامه‌ها بوده، اما با بودن هنرمندان اصیل و مردمی در این کمیسیون، تئاتر همچنان به حرکت مردمی و رسالت خود ادامه می داد.

درباره تشکیل کمیسیون نظارت بر امر نمایش و تئاتر، در کتاب ترانه‌ها و بیوگرافی هنرمندان آذربایجان که به وسیله پرویز پرویزی گردآوری شده است می خوانیم: «... پس از ختم نمایش (طبیب اجباری) به فرمان اعلیحضرت کمیسیونی با حضور امرا و محترمین شهر تشکیل و تصمیمات لازم نسبت به پیشرفت هنر در آذربایجان اتخاذ نمودند... و چون بفرمان اعلیحضرت... لازم بود که به قید فوریت تئاتر در آذربایجان توسعه یابد، بدینوسیله عده هنرپیشگان سابقه دار آذربایجان از جمله مهدی خان شفیع زاده، حاجی خان چلبی، اسماعیل پیران (وکیلی)، ابوالفضل معیری، حسینقلی کریم زاده، دکتر رحیم خان پزشکی، اکبر برادر، بیوک خان نخجوانی، باقر حاجی زاده و... به سمت رئیسی و مدیریت انتخاب گردیدند...»

این کمیسیون بعدها با نام «هیئت نمایش» به فعالیت خود ادامه داد و به هیچوجه در خدمت هنر و هنرمند و نمایش و نمایشگر نبوده و هدفهای غیرمردمی داشت.

این هیئت در واقع اجرا کننده نظامنامه نمایشهای عمومی رئیس کل تشکیلات نظامیه مملکتی بوده است.

به جهت آشنایی با هدفهای «هیئت نمایش» و کمیسیون نمایش بهتر دیدیم نظامنامه نمایشهای عمومی را که مشتمل بر ۳۹ ماده است تماماً از نظر خوانندگان بگذرانیم:

نظامنامه نمایشهای عمومی

تألیف و پیشنهادی سرهنگ محمدخان درگاهی رئیس کل تشکیلات نظامیه مملکتی

مصوبه وزارت جلیله داخله مورخه بهمن ماه ۱۳۰۶.

ماده اول - هرکس بخواهد اجتماعاتی برای تئاتر سینما و مجالس تفریح کافه کنسرت ضیافت‌های شب‌نشینی و هر قسم نمایش یا جشن و کنفرانس‌ها و نمایشگاه‌های ورزش و مسابقه صنعتی و امثال آن که حق‌النورود داشته و یا برای جمع‌آوری اعانه و غیر آن که جنبه عمومی داشته باشد جمعیتی تشکیل دهد باید قبلاً به نظامیه مراجعه کرده موضوع و مقصود از اجتماع را با پرگرام آن کتباً اعلام دارد تا با رعایت قوانین و نظامات مقرر اجازه داده شود در صورتیکه این ترتیب ملحوظ نشود از طرف مأمورین پلیس جلوگیری بعمل خواهد آمد.

ماده دوم - اشخاص یا هیئت‌هایی که بخواهند محلی برای نمایش - های عمومی تأسیس نمایند باید مطابق ماده ۱ به نظامیه مراجعه کرده تحصیل جواز مخصوص نمایند و بدون رعایت این ترتیب انتشار اعلان و فروش بلیط ممنوع خواهد بود.

ماده سوم - تقاضانامه که نمایش‌دهنده برای تحصیل جواز باداره نظامیه تسلیم میدارد باید متضمن فقرات ذیل باشد، محل نمایش - موضوع نمایش - اسم و آدرس متصدی نمایش - عین پيس نمایش - تاریخ و ساعت شروع نمایش.

- ماده چهارم - کلیه پیس‌های نمایش باید قبلاً بنظر اداره نظمیّه برسد و پس از ملاحظه نظمیّه در مرکز بوزارت جلیله معارف و در ولایات باداره معارف داده شود که در صورت تصویب تمبر و تصدیق و بعد از آن عیناً با اطلاع اداره نظمیّه بمعرض نمایش گذارده شود.
- ماده پنجم - هر نمایش‌دهنده که در ضمن نمایش از حدود پیس که بتصویب رسید تجاوز نماید مسئول و مورد تعقیب واقع خواهد شد.
- ماده ششم - نمایش‌دهندگان مکلف هستند مطابق قانون ۲۶ سنبله ۱۳۰۲ حق تمبر را پرداخته و از ادارات مربوطه تصدیق ابراز دارند.
- ماده هفتم - متصدیان نمایش باید نمره هر ردیف را بدیوار دو طرف داخل نمایش‌گاه الصاق و همچنین نمره هر صندلی را در محل‌نمایی روی صندلی نصب نمایند.
- ماده هشتم - در روی بلیط‌ها باید نمره ردیف و صندلی قید شود.
- ماده نهم - فروش بلیط پیش از تعداد صندلی ممنوع است و فروش بلیط باید در نقاط معینه باشد.
- ماده دهم - در موقع ورود تماشاچیان برای هر ردیف لااقل یک نفر ممیز جهت هدایت اشخاص و تفتیش بلیط‌ها باید حاضر باشد.
- ماده یازدهم - در موقع نمایش ممیزین حق ایستادن در راهروها و فواصل صندلی‌ها نداشته و در هر ردیف یک صندلی برای آنها بایستی تخصیص داده شود.
- ماده دوازدهم - چند دقیقه قبل از شروع نمایش به اشخاصی که بیرون سالون هستند بوسیله زنگ اطلاع داده و پس از شروع نمایش درب‌های ورودیه نمایشگاه باید بسته شده و قبل از تنفس برای احدی باز نشود.
- ماده سیزدهم - ورود اشخاص در سالون نمایش با چوب یا عصا یا اسلحه ممنوع و متصدی نمایش موظف است محلی برای ضبط اشیاء و ملبوس تماشاچیان تهیه نموده و مطابق نمره ملبوس یا اشیاء اشخاص را گرفته و بهمان طریق در موقع ختم نمایش رد نماید.
- ماده چهاردهم - نمایش‌دهنده در بلیط و اعلان خود ساعت شروع

نمایش را قبلا تعیین نموده و موظف است در ساعت مزبور نمایش را شروع کند.

ماده پانزدهم - ساعت اختتام نمایش در زمستان ساعت ۱۲ نصف شب و در تابستان از يك ساعت و نیم بعد از نصف شب نباید تجاوز نماید مگر با اجازه مخصوص اداره نظمیة.

ماده شانزدهم - متصدیان نمایش یا استعانت از مامورین پلیس ز ورود اشخاصی که دارای ماسک بوده یا تغییر لباس داده و یا مسلح باشند جلوگیری خواهند نمود مگر نمایش‌های بال‌ماسکه که استعمال ماسک و تغییر لباس عمومیت دارد.

ماده هفدهم - روشنائی داخل نمایشگاه باید بقدر کفایت بوده و قسمتی تهیه شود که تولید مخاطره نکند.

ماده هجدهم - هوای داخل نمایشگاه باید همیشه جریان داشته و در زمستان نیز لدی‌الاقتضا بوسیله باز کردن پنجره ترتیب جریان هوا را مرتب نمایند.

ماده نوزدهم - ممیزین باید مراقب بوده و خلاف قاعده را که از واردین مشاهده میکنند فوراً بمامورین داخل نمایشگاه اطلاع داده و شخصا با اشخاص داخل مشاجره نشوند.

ماده بیستم - اجازه‌نامه نمایش حاوی اجازه فروش مشروبات الکلی نمی‌باشد.

ماده بیست و یکم - درب نمایشگاه در ساعت معین که قبلا اعلان شده باید برای پذیرائی مردم باز شود و تماشاچیان فقط از درب عمومی نمایشگاه باید داخل و خارج شوند.

ماده بیست و دوم - قبل از افتتاح درب نمایشگاه متصدیان نمایش حق داخل کردن اشخاص متفرقه را ندارند.

تنظیمات داخلی نمایشگاه

ماده بیست و سوم - در داخل نمایشگاه درب‌ها و پرده‌ها و طناب‌ها نائیکه برای تقسیم‌بندی کشیده میشود باید قسمتی تهیه شده باشد که بطور سهولت باز و بسته شود تا در موقع حریق تماشاچیان بتوانند به

سهولت خود را نجات دهند.

ماده بیست و چهارم - استعمال دخانیات در سالون نمایش ممنوع است.

ماده بیست و پنجم - صداهای مختلف از قبیل سوت زدن پا زدن دست زدن بی موقع و کلیه حرکاتی که باعث مزاحمت و مانع تماشای دیگران میشود اکیدا ممنوع است.

ماده بیست و ششم - برای پیش بینی از وقوع حریق جهت ساختن بعضی از قسمت‌های داخلی نمایشگاه یا بنای آن بایستی با نظر بلدیه و اداره نظمیه اقدام نمائید.

ماده بیست و هفتم - بنای تئاتر عبارت است از اطاق نمایش و اطراف آن پله راهرو و غیره - سن یا محل نمایش قسمت هائیکه مربوط به آرتیست‌ها و دفاتر داخلی نمایشگاه میباشد.

ماده بیست و هشتم - دهانه سن بوسیله پرده که حتی المقدور آتش به آن سرایت نکند باز و بسته خواهد شد.

ماده بیست و نهم - مواقعی که در ضمن نمایش استعمال اسلحه لازم باشد باید قبلا از اداره نظمیه تحصیل اجازه شود و پس از تحصیل اجازه استعمال آن بایستی بسمت مخالف تماشاچیان بوده و جریان قضیه نیز باید در پروگرام نمایش قید شده باشد.

ماده سیم - کلیه مواد محترقه که عنداللزوم به نمایشگاه حمل میشود قبلا بایستی تحویل مامورین پلیس گردیده و در مواقع لزوم مسترد خواهد شد.

ماده سی و یکم - اشیائی که از تماشاچیان در تئاتر فراموش میشود پس از جمع‌آوری باید فوراً تحویل مامورین پلیس نمایند.

ماده سی و دوم - قرار دادن صندلی یا هر شیئی در راهروها بطوریکه مانع عبور باشد اکیدا ممنوع است.

ماده سی و سوم - چراغهای داخلی نمایشگاه قبل از خروج کلیه تماشاچیان نباید خاموش گردد.

ماده سی و چهارم - قرار گرفتن وسائط نقلیه در خارج نمایشگاه

و تنظیم عبور و مرور بعهده مامورین پلیس است.
 ماده سی و پنجم - مامورین داخل نمایشگاه انتظامات داخلی را مرتب نموده و اشخاصی را که من غیر حق بجای دیگران نشسته یا بدون بلیط هستند و یا اینکه مرتکب حرکات بی رویه میشوند برای مرتبه اول اخطار در صورت مداومت از نمایشگاه خارج و عنداللزوم به کمیساریا جلب خواهند کرد.

ماده سی و ششم - هر خانه و اطاق و باغ یا محل دیگری که برای ساز یا سایر تفریحات سالم عمومی تعیین شده مشمول مواد این نظامنامه خواهد بود.

ماده سی و هفتم - هر محلی که برای نمایش مخصوصی تاسیس می شود بدون اجازه علیحده حق دادن نمایش دیگر را نخواهد داشت.

ماده سی و هشتم - در کلیه نمایشگاههای عمومی از هر قبیل مامورین پلیس عنداللزوم میتوانند وارد شده تفتیش نمایند.

ماده سی و نهم - مواد مربوط به انتظامات داخلی هر نمایشگاه باید در داخل نمایشگاه در محل نمایان با خط خوانا الصاق شود.

حسین سمیعی - وزیر داخله

تبریز مطبعه «امید»

۲۹ بهمن ماه ۱۳۰۶

گرچه نظامنامه فوق به علت کنترل محتوای فکری نمایشنامهها و اجرای صحنه ای تنظیم و تصویب شده بود، لیکن نباید ناگفته گذاشت که بعضی از مواد این نظامنامه در جهت پیشرفت و پیشبرد تئاتر نیز بوده است. اکنون نگاهی گذرا به اعلانها و آفیشهای اجراهایی که بعد از سال ۱۳۰۶ شمسی در سالنهای موجود در تبریز اجرا شده اند بیندازیم.

اینک مشخصات نمایشنامهها براساس مدارك موجود:

- نمایش باشکوه در صحنه آرامیان - بزن بزن - در سه پرده

اثر عبدالرحیم بیگ حقرردیف، شب جمعه ۹ ربیع الاولی يك ساعت از شب گذشته بدون تاخیر شروع خواهد شد. کمیسیون نمایش^۴.

– شب جمعه ۲۱ ربیع الثانی، نمایش باشکوهی در صحنه آرامیان از طرف هیئت آرتیستهای آذربایجانی در تحت رئیسی آقای بیوکخان نخجوانی به موقع تماشا گذاشتا خواهد شد. دوکمه قاپوی – دوگرلر قاپووی.^۵

– زندگان بیابند که نمایش مردگان را می دهند – نمایش مشهور مردگان «اولی لر» شب جمعه ۲ دیماه مطابق هجده جمادی الثانی در صحنه آرامیان از طرف هیئت آکتورال های آرین به موقع تماشا گذاشته خواهد شد. رئیسیور بیوکخان نخجوانی – اثر محمد جلیل قلی زاده – هیئت نمایش.^۶

– طیاطر در صحنه آرامیان – شب جمعه ۲۹ ماه شعبان المعظم ۱۳۴۵، مطابق ۱۲ اسفندماه ۱۳۰۵ از طرف آکتورهای آرین به تماشا گذاشته خواهد شد. «زمان کیشی بیر قیز آلور» اوپ در چهار پرده – نوشته سلطان اسدالله خان طلعت – مدیر مسئول اسماعیل پیران – رئیسیور بیوکخان نخجوانی.^۷

– شب جمعه ۱۲ خرداد ۱۳۰۶ به منفت مدرس شوروی روسیه، نمایش در تحت مراقبت ژنرال قنسول دولت اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی به موقع تماشا گذاشته شد. این نمایش را می توان نمایش حسابی نامید که خانمهای محترم شرکت و با اسلوب اروپایی تهیه گردیده بود که فوق العاده قابل تقدیر و شایان توجه گردید.^۸

– شب دوشنبه نمایشی در صحنه آرامیان بوده، باعث و بانسی «هیئت امدادیه ارمنستان» بود، و عایدات نمایش وقف بود به زلزله زدگان دولت ارمنستان که از بی رحمی طبیعت خانمانشان بر باد و محتاج نوجه هموعان خود می باشند. این نمایش بی اندازه جالب توجه بوده و هر یک از ملت ارمنه در تکمیل شکوه نمایش جدیدیتها نموده بودند.^۹

– روز جمعه ۱۴ مهرماه مطابق ۱۰ ربیع الثانی در صحنه شیر و خورشید سرخ نمایشات ذیل، مجس شعرا، یا خور، محبوب خیالی اثر آقای امبد – مضحکه به زبان فارسی در یک پرده و مضحکه به زبان ترکی

ر دو پرده - از طرف آکتورهای آرین در تحت رژیسوری آقای نخجوانی به موقع تماشا گذاشته خواهد شد - کمیسیون نمایش^{۱۰}.

- شب جمعه ۲۹ دی ماه ۱۳۰۶ از طرف آکتورهای کمیک آرین در تحت رژیسوری آرتیست شهیر آقای بیوک خان نخجوانی به مرقع تماشا گذاشته خواهد شد. مضحک پر خنده اخلاقی در سه پرده به نام «عمو بچب بچه شده» اثر مولیر - محل اجرا صحنه آرامیان^{۱۱}.

به جز اجراهایی که در بالا از آنها نام بردیم، در همین سالها، یعنی ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷ نمایشنامه‌های سنگینی نیز توسط شخصی به نام «آقا مالوف» اجرا می‌شده که از کم و کیف آنها اطلاع درستی در دست نداریم. آقامالوف اصلاً روسی بوده و با عنوان میهمان در این سوی رود ارس فعالیت تئاتری می‌کرد. آقامالوف از طریق اجراهایی که در تبریز داشته، آموزش‌های علمی تئاتر بخصوص سیستم استانیسلاوسکی را که در روسیه آموخته بود، به هنرمندان تئاتر تبریز انتقال می‌داد. اینک ادامه اعلان‌ها و آئینش‌ها:

- در صحنه آرامیان روز یکشنبه هفتم بهمن ماه ۱۳۰۷، نمایش اخلاقی منحصر به خواتین محترمه است. «او اولماسون بو اولسون» یا فود مشهدی عباد - اثر عزیز بیک حاجی بگوف - اپرت در سه پرده - نمایش فوق که خیلی جالب نظر و پر خنده می‌باشد با تمام لوازمات البسه جدید تهیه شده، با طنطنه فوق‌العاده به منفعت دو نفر کتوریست‌های (لیزا خانم و سانانیک خانم) که در حقیقت به عالم لیاطر خدمات شایانی کرده‌اند به موقع تماشا گذاشته خواهد شد و در فاطمه یک پرده کنسرت عالی نشان داده خواهد شد. رژیسور بیوک خان نخجوانی.

- شب جمعه ۲۴ اسفند ماه ۱۳۰۷ در صحنه شیر و خورشید سرخ از طرف آکتورال آرین به موقع تماشا گذاشته خواهد شد. «آخرین یادگار نادر شاه» اثر سعید نفیسی در ۳ پرده نشان می‌دهد شهامت و شجاعت ایرانی را که یک نفر پیر مرد صد و بیست ساله، پسر جوان خود را به دفاع از وطن تشویق می‌تواند. پرده دوم که عبارت از پرده جنگ باشد



آفیش «عموم رجب بیچه شده»



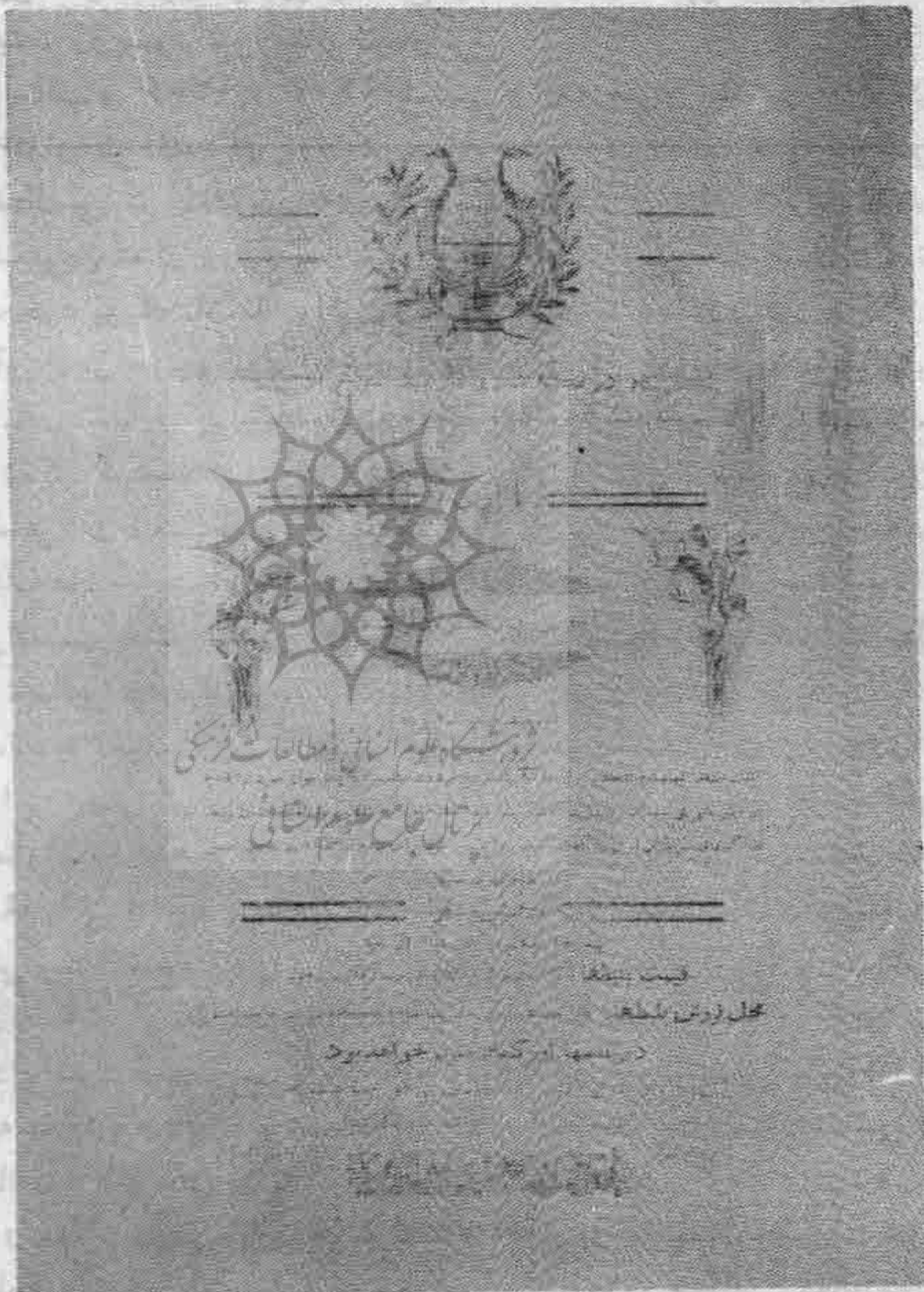
آفیش «او ارلماسون بو اولسون»

با يك شكوه فوق العاده نشان می دهد فداکاریهای سربازان ایران را که تا آخرین قطره خون خود برای دفاع از مملکت در مقابل دشمن مقاومت می نمایند. رژیسور بیوک خان نخجوانی.

در سالهای ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷ شمسی واقعه هنری دیگری در تئاتر تبریز اتفاق بی افتد. این واقعه مهم و هنری، ورود هنرمند گرامسی میرسیف الدین کرمانشاهی به جمع دست اندرکاران تیاتر تبریز است. کرمانشاهی بعد از ورود به شهر آبا و اجدادیش، در کنار دوست هنرمند خود بیوک خان نخجوانی قرار گرفته و با همکاری وی و گروه تیاتر آراین در هرچه بهتر به روی صحنه آوردن نمایشنامه ها کوشش می کند. در مصاحبه های حضوری که سالها پیش با بعضی دست اندرکاران تئاتر گذشته تبریز داشتم، همگی از ابتکارات میرسیف الدین کرمانشاهی در زمینه های دکورسازی، طراحی لباس و طراحی صحنه نمایشنامه ها، ساعتها خاطره تعریف کرده و هنر وی را می ستودند.

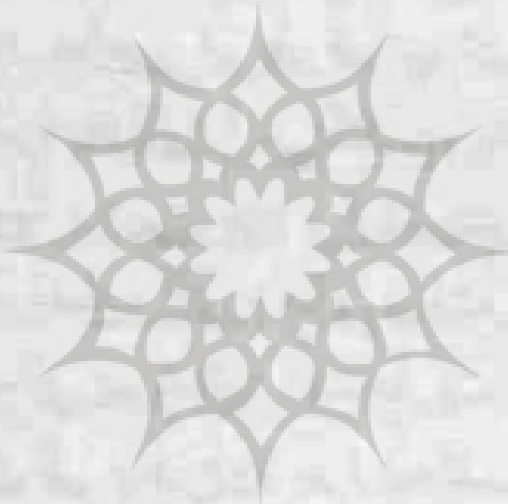
ابوالقاسم جنتی عطایی درباره این هنرمند در بزرگداشت سال ۱۳۴۲ مطالبی را بیان نموده که قسمتهایی از آن را درج می کنیم^{۱۳}:

«... میرسیف الدین کرمانشاهی... به دنبال کسب هنر راه ماوراء ارس را در پیش گرفت. پس از ورود به تفلیس... در سن ۱۷ سالگی رسماً شروع به تحصیل و فراگرفتن زبان ترکی و روسی کرد. هنرمند دوره مقدماتی را به پایان رسانیده بود که در نقاشی و دکورسازی پیشرفتی بسزا نمود و مورد توجه اولیا مدرسه قرار گرفت. آثار نقاشی او چون قطعه زر دست به دست گشت تا روزی به نظر بیوک خان نخجوانی کارگردان معروف رسید، به حمایت نامبرده در کلوب «علی بایرام اف» پذیرفته شد و در آنجا توانست زیر نظر استادان به تکمیل نقاشی و دکورسازی و آموختن فن تئاتر پردازد. کرمانشاهی گاهگاه در روزنامه ها و مجلات محلی، چیز می نوشت و افکار و عقاید و نظریات خود را درباره هنر به بهترین وجه منعکس می ساخت. هنگامی فعالیت های ادبی او قوس صعودی را پیمود که برای تکمیل تحصیلات هنری به مسکو رفت... پس از خاتمه تحصیلات چون نادیا همسر با وفایش در تفلیس



آفیش «آخرین یادگار نادر شاه»

با بی صبری منتظر وی بود، در مسکو نماند و با شوق و شور فراوان به طرف او مراجعت کرد. در این هنگام چون بیوک خان نخجوانی به علت انقلاب شوروی به ایران مهاجرت کرده بود، از طرف دولت موقتاً سرپرستی تماشاخانه «تئاتر ترکی» به کرمانشاهی داده شد و او سه سال تمام در این مؤسسه به ایجاد شاهکارهای هنری خود سرگرم بود. در ۱۹۲۱ به بادکوبه منتقل شد و در مدرسه آرتیستی آنجا به تدریس فن بیان و دکورسازی پرداخت.



ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

«در تاریخ تئاتر آذربایجان می نویسد: «کرمانشاهی در سال ۱۹۲۱ تئاتر «انتقاد» را در بادکوبه تأسیس کرد و تا ۱۹۲۶ در آنجا به معیت رژیسور معروف «حاج آقا عباس اف» نمایشنامه‌های «خانواده فنا شده» «محکمه صابر» «آقا محمدخان قاجار» «ملا پناه واقف» و غیره را به بهترین وجه به روی صحنه آورد». ولی از آنجا که کرمانشاهی در تمام موقعی که با کوشش و تلاش خستگی‌ناپذیر به پیشرفت هنر کمک می‌کرد، نتوانست در تئاتر انتقاد و تبلیغ کار کند، به تدریج وجه خود را از دست داده و عملاً از کار نمایش طرد شد. آخرین ضربه‌ای که در همین اوقات به روح مجروح کرمانشاهی وارد شد، فوت ناگهانی نادیا یگانه مایه تسلی خاطر او بود. از این ضربه چنان شکسته و ملول شد که یکباره دست از جاز شسته به فکر انتحار افتاد و اگر تصادفاً به مسافری که از ایران آمده و پیامی از طرف بیوک‌خان نخجوانی برای او آورده بود برخورد نمی‌کرد خود را می‌کشت. استادش پیغام داده بود که «ایران منتظر تست، بیا و دین خود را نسبت به وطن ادا کن». این پیام او را به یاد وطن انداخت. آرزوهای خفته را بیدار کرد و عشق خدمت به وطن و بنای خیالی پرشکوه افتخارات آینده به او جانی تازه دمید. نشسته یاد وطن تیرگی روح او را به کلی زایل کرد و غم و غصه‌اش را از خاطر برد و چنان در حرکت به ایران عجله و شتاب کرد که هرچه داشت و نداشت در آنجا گذاشت و دست خالی به طرف مرز کشور آبا و اجدادی روان شد. هنگامیکه به تبریز رسید جز شهرت، چیزی نداشت و همین برای او کافی بود. بیوک‌خان نخجوانی که در تبریز «کلوب آرین» را تأسیس کرده بود و اغلب نمایشهای جالب توجه ترتیب می‌داد و حتی به خاطر یکی از نمایشنامه‌های خود معروف به «مادر وطن» به دریافت نشانی از دست رضاشاه فقید منتخر شده بود، با ورود کرمانشاهی به تبریز، اداره امور کلوب و نمایشها را به او تفویض و از کار کناره‌گیری کرد و تا سال ۱۳۲۲ که درگذشت فقط بداشتن عنوان «رئیس افتخاری» کلوب اکتفا کرد. کرمانشاهی که از استنشاق هوای ایران نیرو و نشاط یافته بود، در تبریز دست به کار

شد و با تهیه چند نمایش از قبیل «وزیر خان سراب»، «پری جادو» و «مشهدی عباد» خدمات ذیقیمت خود را به عالم هنر نمایش ایران آغاز کرد. امروز پس از سالها گذشت زمان هنوز هم اهالی تبریز یاد نمایشنامه‌های او را در خاطر دارند و در هر محفل هنری از آنها صحبت می‌کنند. کرمانشاهی نزدیک به یکسال و نیم در تبریز کار کرد و چون محیط را برای فعالیت و عرضه هنر خود مناسب ندید از طریق کرمانشاهان به تهران آمد و خود را به جامعه بارید که بزرگترین و بهترین مؤسسه نمایش زمان بود معرفی نمود...»^{۱۳}

فعالیت گروه آرین را از روی اعلان و آفیش ادامه می‌دهیم:

— شب جمعه بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۰۸ با شکوه و طنطنه فوق‌العاده از طرف هیئت آکتورهای آرین با رژیسور بیوک‌خان نخجوانی در صحنه شیر و خورشید سرخ به معرض نمایش گذاشته خواهد شد. از آنجائیکه هیئت آکتورهای آرین تبریز همه‌اوقات با رژیسوری بیوک‌خان نخجوانی خدمت به عالم نمایش کرده و هر نمایشی که از طرف این هیئت تاکنون به معرض نمایش گذاشته شده، همیشه جالب توجه آقایانیکه حضور داشته، همواره رضایت‌بخش بوده، با خواهش جمعی از علاقمندان و معارف خواهان رستاخیز سلاطین ایران در سه سال قبل یک مرتبه در تبریز داده شده. البته آقایانیکه در آن شب نمایش حضور داشته‌اند، تصدیق خواهند فرمود این نمایش مدتی است در تحت رپسیون می‌باشد. به واسطه کثرت مخارج این پیس و جهت تهیه لباسهای سلاطین قدیم و برای تهیه نقشه خرابی‌های مدائن به تعویق افتاده بود، این اوقات محض ثبوت خدمت با مخارج گزاف لوازمات و نواقص آن را تهیه و تکمیل نموده و رولهای مهم این نمایش را آرتیستهای مبرز و آوازخوانهای ممتاز ایفا می‌کنند، به معرض نمایش گذاشته، از آقایان و خواتین محترمه دعوت می‌شود که در تئاتر مذکور حضور بهم‌رسانیده، البته زحمت و خدمت هیئت آکتورال آرین را ملاحظه و تصدیق خواهند فرمود. این نمایش به منفعت دو نفر از آرتیستهای طهران که چندیست در تبریز میهمان ما می‌باشند و در

هیئت آکتورال آرین خدمت می نمایند خواهد بود. ۱۴



تأشاع

در این باره با نظر نظر شده بر مبنای

تأشاع

تأشاع

تأشاع

در صحنه شیر و خورشید سرخ

در این باره با نظر نظر شده بر مبنای

رستاخیز سلاطین ایران

در این باره با نظر نظر شده بر مبنای

در این باره با نظر نظر شده بر مبنای

در این باره با نظر نظر شده بر مبنای

- در ۲۵ مرداد مطابق ۹ ربیع الاول با رژیسوی آقای قلی زاده آرتیست مشهور نمایشی از طرف آقتورال درام صنایع به موقع تماشا گذاشته خواهد شد که عبارت است از «جهنم و کاشانه دیوانگان» بطور شوخی و کمیدی عادات جامعه را بخوبی تصویر می نماید.^{۱۵}

- شب جمعه ۱۳ شوال ۱۳۴۸ مطابق با ۲۳ اسفند ماه ۱۳۰۸ نمایش عالی که پانزده سال قبل در تبریز در تحت رژیسوری آقتریس مشهور و معروف مرضیه خانم داده شده بود، حالا هم نمایش مزبور دویمین در تحت رژیسوری آقتریس یگانه که سالهای متمادی در صحنه های عالم اسلام زحمات فوق العاده را دارا بوده اند، با اشتراك یگانه آرتیست شهر تبریز (آقای قلی زاده) به موقع تماشا گذاشته خواهد شد. پیس مشهور دنیا «عبرت عالم» درام در چهار پرده اخلاقی اثر نویسنده معروف عالم نامق کمال، علی الخصوص نمایش مزبور جهت خواتین محترمه مستفید است. رژیسور مرضیه خانم مدیر مسئول قلی زاده.^{۱۶}

اعلان فوق ضمن اینکه سیر اجرای نمایشنامه ها را در تئاتر تبریز نشان می دهد، از این نظر هم که يك زن در آن دوره نمایشنامه ای را کارگردانی کرده و در عالم تئاتر فعالیت می کند، اهمیت بسزائی دارد.

- شب ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۰۹ نمایش منظوم عرفانی در چهار پرده و هفت تابلو اثر ادیب شهیر فاضل آقای حسن جاوید ترجمه یوسف ضیاء سطوت «شیخ صنعان». این نمایش که سال گذشته در تحت رژیسوری آرتیست شهیر آکادمی صنعتی تفلیس آقای به حاجی زاده برای اولین دفعه در شهر تبریز به موقع تماشا گذاشته شد و مخصوصاً رول مهم شیخ صنعان را که خود رژیسور ایفا کرده بودند، مجدداً به نمایش گذاشته می شود. رژیسور حاجی زاده مدیر مسئول رضا زاده.^{۱۷}

- آیا می دانید که عنقریب نمایش باشکوه و مجلل «یوسف و زلیخا» با لباسهای مخصوص زمان خرد از طرف «هیئت آکتورال آرین» در تحت رژیسوری آقای بیوک خان نخجوانی در این نزدیکی به موقع تماشا گذاشته خواهد شد؟^{۱۸}

در سال ۱۳۰۹ و ۱۳۱۰ آثاری از عزیز حاجی بگوف به نام های

«ارسات نسوان»، «اصلی و کرم» و «لیلی و مجنون» و... توسط گروه تئاتر آرین با کارگردانی بیوک خان نخجوانی روی صحنه بوده است که آفیشهای مربوط به اجراهای فوق در اسناد و مدارک تئاتری مرحوم محمد علی رشدی یکی از بازیگران قدیمی تئاتر تبریز که هم‌اکنون توسط فرزندش آقای جمیل رشدی نگهداری می‌شوند، موجود هستند.^{۱۸} در بین اسناد و مدارک دیگر تئاتر تبریز به آفیشی برخورد کردیم که نشان می‌دهد نمایشنامه‌ای به وسیله هنرمندان گروه تئاتر آرین در تئاتر «نکوئی» تهران به اجرا درآمده است، که مشخصات آن به شرح زیر است:

— پنجشنبه ۱۳ و جمعه ۱۴ مهرماه ۱۳۱۲ نمایش عالی و اخلاقی تازه داماد یا بادآبادا در چهار پرده اثر آقای اورنگ خدیوی — تحت رئیسه آقای بیوک خان نخجوانی با اشتراک آرتیست نامی آذربایجان آقای اسمعیل به انضمام یک پرده رقص توسط مادام لیزا و مادام آرشالوس در نمایشگاه نکوئی... دعوت می‌کنیم.

در سالهای ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳ شاهد اجرای نمایشنامه‌های اتلر و هملت اثر ویلیام شکسپیر در صحنه‌های تئاتر تبریز هستیم. این نمایشنامه‌ها به وسیله شخصی به نام «محسن طغرل» یکی از کارگردانان کشور ترکیه که در سالهای ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳ به عنوان میهمان با گروهش در تبریز فعالیت تئاتری داشته اجرا شده‌اند. درباره تأثیر اجراهای این کارگردان در تئاتر تبریز مرحوم بیوک خان حمدی چند سال پیش مطالبی به شرح زیر بیان نموده است که قسمتهایی از آنرا درج می‌کنیم.^{۲۰}

«... دوست عزیز... بد نیست شمه‌ای نیز راجع به عظمت و نام تئاتر تبریز برایتان بگویم در آن روزگاری که در هیچ نقطه کشورمان از تئاتر خبری نبود، بنا به دعوت محترمین و رجال آنروز تبریز، هیئتی تحت سرپرستی محسن طغرل کارگردان بنام تئاتر و سینمای ترکیه که فیلم قربانی شهرت از اوست، جهت اجرای نمایشنامه اتلر و هاملت به تبریز دعوت شدند و این دو نمایشنامه را با طرز جالب و

شماره ۱۸

شماره ۱۸

نمایش عالی و اخلاقی

تاریخچه نادر تبریز
شماره ۱۸
۱۸۷۵

تاز لاداماد

تاریخچه نادر تبریز
شماره ۱۸
۱۸۷۵

پنجشنبه ۱۳ جمادی
مهر ماه ۱۳۱۳

پنجشنبه ۱۳ جمادی
مهر ماه ۱۳۱۳

پادشاه ایران در چهار پرده

از کلمه آقای نورنگ خدیوی که تحت نظر سوری آقای یوسف خان خان نجفوالی
ناشر آریست نامر آذربایجان آقای ابغدی
مستطابان تبریز و مطبوعات تبریز و مطبوعات آذربایجان

نمایش کالانکونی

لیله یوا سر خنده

شب سراسر غریب

ملاحظه بندگان حضرت نادر را مخصوصاً برای تفتیش این ابرت بفرج و خنده اور
دعوت میکنیم۔ تفتیش نکرده تشریف یابورند و استغاده فرمائند

خط بیست و سه روز ال در حال در مطبوعات تبریز و مطبوعات آذربایجان

مطبوعات آذربایجان تبریز و مطبوعات تبریز و مطبوعات آذربایجان
مطبوعات آذربایجان تبریز و مطبوعات تبریز و مطبوعات آذربایجان
مطبوعات آذربایجان تبریز و مطبوعات تبریز و مطبوعات آذربایجان

مطبوعات آذربایجان تبریز و مطبوعات تبریز و مطبوعات آذربایجان
مطبوعات آذربایجان تبریز و مطبوعات تبریز و مطبوعات آذربایجان

آفیش تئاتر «نکونی»

قابل توجهی به موقع تماشا گذاشتند... اجرای آن دو نمایشنامه توسط هنرمندان ترکیه علاوه بر اینکه مورد توجه قرار گرفت، برای هنرمندان تبریز نیز يك نوع آموزندگی داشت و در مدت اقامت محسن طفرل و دستیاران او از خیلی کارهای آنها تجربه کافی به دست آمد. قرار بود که بعد از اتمام نمایش آنها، نمایشنامه مشهور شاه عباس و خورشید بانو اثر عزیز حاجی بيك توسط هنرمندان تبریز اجرا گردد. روزیکه مرحوم رشدی و دو نفر دکوراتور مشغول تهیه دکور نمایشنامه مزبور بودند، دکوراتور ترکیها راهنمایی‌شان می‌کرد. مثلاً یکی از راهنمائی‌شان این بود که وقتی شاه عباس با اسب وارد سن می‌شود، برای اینکه صدای پای اسب معلوم نشود و نظم به هم نخورد، پنج شش عدد پوست گوسفند را به هم بدوزند و پس از رنگ نمودن با رنگ سبز، به ته سن می‌خکوب کنند و پس از تهیه نمودن بدین ترتیب سن شکل چمن را به خود گرفت که البته با اضافه نمودن گل‌های حقیقی و جنگلی و سایر چیزها، منظره سن گوشه‌ئی از جنگل را مجسم می‌نمود...» در میان اسناد و مدارك تئاتر تبریز به پوستری برخورد کردیم که خبر از نمایش يك كمدی به همراه کنسرت قمرالملوك و زیری می‌دهد.

این سنت، یعنی اجرای تئاتر به همراه کنسرت، در تئاتر تبریز از ابتدا و آغاز تئاتر تبریز تا سال ۱۳۴۱ شمسی مرسوم بوده است. اگر علت این امر بررسی شود به این نتیجه خواهیم رسید که دست‌اندرکاران تئاتر به جهت اینکه بتوانند به راحتی مردم عادی را به سالن‌های تئاتر بکشانند و با هنر نمایش و تئاتر آشنا سازند، در کنار اجرای تئاتر از هنر موسیقی استفاده می‌کردند. در این دوره (۱۳۰۰ الی ۱۳۲۰) و دوره‌های بعدی موسیقی نه تنها به صورت جداگانه و به همراه اجرای يك نمایشنامه، بلکه در بطن نمایشها از جمله در اپراها و کمدی موزیکال‌ها حضور و نقش فعال داشته است.

آخرین سند مربوط است به اجرای نمایشنامه‌های «زندگی یا مرگ» به قلم شمیم و کمدی «واردالا بومبا» (= تاجر کدو). این دو

تاریخچه تاتر تبریز
تاترستان
تاترستان
تاترستان

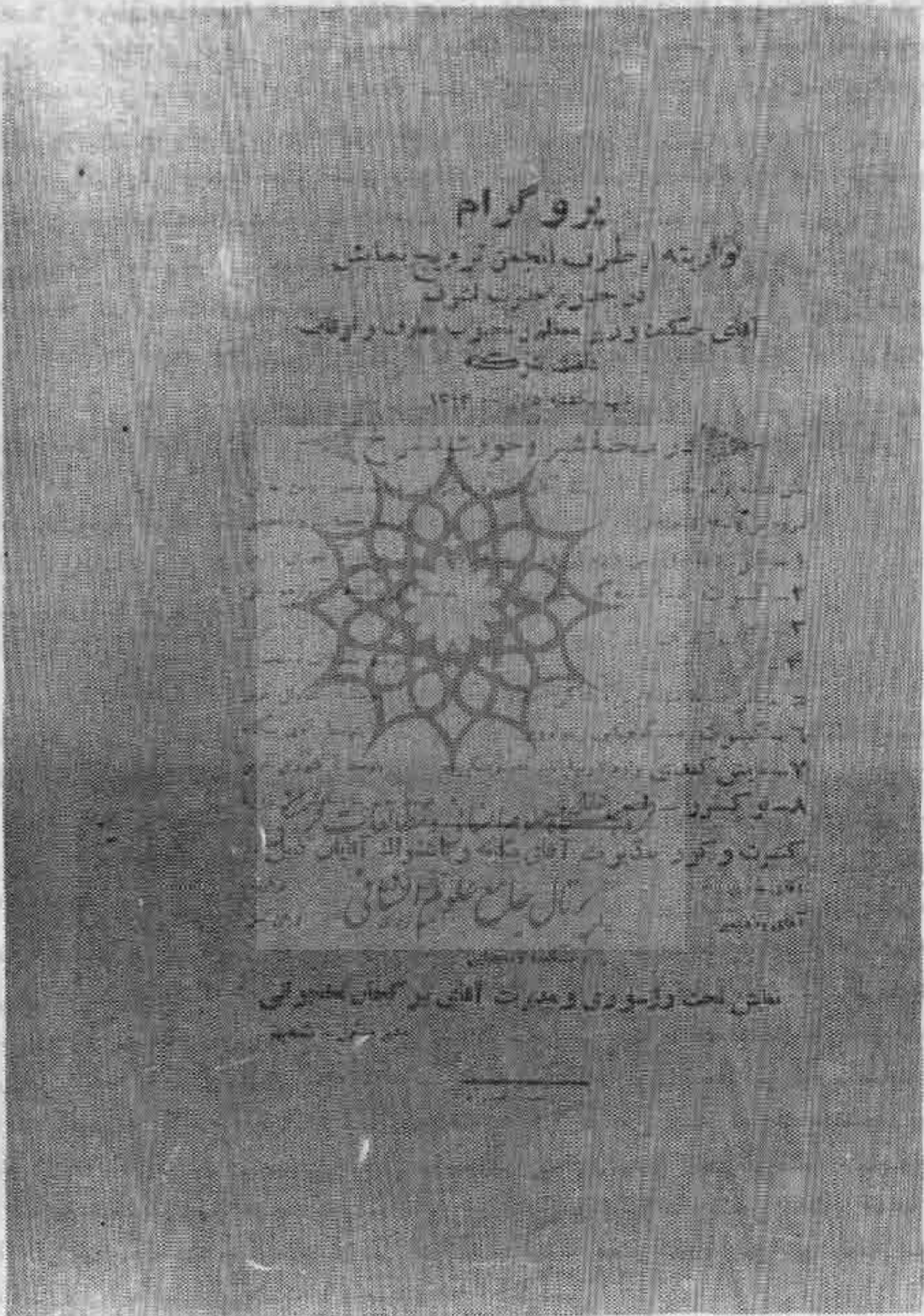


پوستر کنسرت قمر

نمایش در سال ۱۳۱۴ به وسیله گروه تئاتر آرین و به کارگردانی بیوک خان ننجوانی و در حضور آقای حکمت وزیر معارف آن دوره اجرا شده‌اند.

از سال ۱۳۱۴ که آخرین آفیش ما از دوران ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ است تا سال ۱۳۲۰، تئاتر نه تنها در تبریز وجود داشته بلکه از نظر کمی نیز شاهد بیشترین اجرا در صحنه‌های تبریز هستیم. در فاصله زمانی ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۰ عمده فعالیت تئاتری به وسیله هنرمندان گروه تئاتر آرین و با رژیسوری بیوک خان ننجوانی انجام می‌گرفت. گرچه فعلاً امکان ارائه اسناد و مدارک مربوط به فاصله زمانی سالهای ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۰ را نداریم، اما این مدارک تا چند سال پیش موجود بوده‌اند که متأسفانه در نمایشگاهی که به مناسبت شناساندن فعالیت‌های تئاتر تبریز در تهران برگزار شد از بین رفته و خوانندگان ناگزیرند، فعالیت هنرمندان تئاتر تبریز را در این فاصله زمانی از راقم این سطور پذیرفته تا شاید اسناد این سالها از آرشیوهای خصوصی و بازماندگان آن دوره، مجدداً جمع‌آوری شوند.

پرتال جامع علوم انسانی



پوسته گروه شاعر آراین

پانویسها

- ۱- در بعضی از اسناد و مدارك مربوط به سالهای بعد از ۱۳۰۰ شمسی با نام گروه دیگری به نام «آکتورالیدرام تبریز» به سرپرستی رضا قلی زاده پرخورد بی‌کنیم که به علت نبودن اسناد موثق و معتبر از تأسیس و انحلال آن اطلاع درستی در دست نداریم. در یکی از اسناد می‌خوانیم که این گروه در سال ۱۳۰۷ با گروه تئاتر آرین متحد شده و با همکاری یکدیگر نمایشنامه اجرا کرده‌اند.
- ۲- این گزارش بوسیله علی‌اصغر بهزادی قبل از اجرای نمایشنامه مکر زنان برای تماشاگران خوانده شده است.
- ۳- آرامنه مخصوصاً زنانشان از جهت بازیگری بیشترین سهم را در تئاتر تبریز داشته‌اند که در فرصت‌های مناسب و در ادامه این مطالب از آنان سخن خواهیم گفت.
- ۴- روزنامه تبریز شماره ۲۲ سال هفدهم سه‌شنبه ۶ ربیع‌الاول ۱۳۴۵، ۲۲ شهریور ماه ۱۳۰۵.
- ۵- روزنامه تبریز شماره ۳۴ سال هفدهم چهارشنبه ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۴۵، ۴ آبان ماه ۱۳۰۵.
- ۶- روزنامه تبریز شماره ۴۷ سال هفدهم چهارشنبه ۲۳ آذرماه ۱۳۰۵.
- ۷- روزنامه تبریز شماره ۶۴ سال هفدهم شنبه ۶ اسفندماه ۱۳۰۵.
- ۸- روزنامه تبریز شماره ۱۰ سال هجدهم خرداد ۱۳۰۶.
- ۹- روزنامه تبریز شماره ۴ سال هجدهم پنجشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۰۶.
- ۱۰- روزنامه تبریز شماره ۲۸ سال هجدهم پنجشنبه ۶ بهرمه‌ماه ۱۳۰۶.
- ۱۱- برخی از آفیش‌هایی که در این قسمت به چاپ می‌رسند از آقای عبدالله احسانی بازیگر توانای تئاتر گذشته تبریز گرفته شده که بدینوسیله از ایشان تشکر می‌شود.
- ۱۲- این سخنرانی در تاریخ سه‌شنبه ۱۹ شهریورماه ۱۳۴۲ در انجمن فرهنگی ایران و شوروی ایراد شده است و ما آن را از مجله پیام نوین شماره ۱ دوره ششم برگزیدیم.
- ۱۳- راقم این سطور مدرکی دال بر اینکه گروه تئاتر آرین بعد از ورود میر سیف الدین کرمانشاهی به تبریز به وسیله وی اداره می‌شده، پیدا نکرده است، اما از مصاحبه‌های حضوری که با بازیگران قدیمی تئاتر تبریز داشته به این نتیجه رسیده که کرمانشاهی بیشتر به عنوان مشاور هنری در کنار بیوک‌خان ننجوانی بوده و عمدتاً در طراحی صحنه و طراحی لباس و دکورسازی نمایشنامه‌ها به گروه تئاتر آرین کمک می‌کرد. ضمناً باید یادآوری کنیم که گروه آرین تا شهریورماه ۱۳۲۰ شمسی به فعالیت مشغول بود و تاریخ ۱۳۲۲ که ابوالقاسم جنتی عطائی در سخنرانی فوق بدان اشاره می‌کند، اشتباه است.
- ۱۴- به احتمال زیاد «رستاخیز سلاطین ایران» اثر میرزاده عشقی است. ضمناً به همراه اثر فوق، کمندی جعفرخان از فرنگ آمده، نوشته حسن مقدم نیز اجرا شده است.
- ۱۵- روزنامه تبریز - شنبه ۱۹ مرداد ۱۳۰۸ شمسی.
- ۱۶- روزنامه تبریز شماره ۱۲۹ سال بیستم دوشنبه ۱۹ اسفندماه ۱۳۰۸ شمسی مطابق با ۹ شوال ۱۳۴۸.

- ۱۷- روزنامه تبریز شماره ۲۴۵ سال بیستم. یکشنبه ۷ اردیبهشت ۱۳۰۹ - ۲۷ ذیقعده ۱۳۴۸ - ۲۷ آوریل ۱۹۳۰ میلادی.
- ۱۸- روزنامه تبریز شماره ۲ سال بیست و یکم چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۰۹ شمسی.
- ۱۹- به جز آفیش‌های فوق، در مدارک و اسناد تئاتری مرحوم محمدعلی رشدی به اجراهای دیگر با مشخصات زیر برخورد کردیم:
- الف: نمایشنامه کدام یک از دو؟ / تاریخ اجرا: ۱۳۱۱ / رؤسور: م. طاشچیان / ترجمه: یحیی آریزپور.
- ب: نمایشنامه آی جان، آی جان / تاریخ اجرا: ۱۳۱۳ / رؤسور: بیوک خان نخبوانی.
- ج: نمایشنامه امیرکبیر / تاریخ اجرا: ۱۳۱۴ / توسط گروه تئاتر آریز / رؤسور: بیوک خان نخبوانی.
- د: نمایشنامه جیجک‌علیشاه / تاریخ اجرا: ۱۳۱۵ / رؤسور؟
- ۲۰- مطالب بیان‌شده که از نظرتان می‌گذرد، از مصاحبه راقم این سطور که چند سال پیش با بیوک خان محمدی بازیگر توانای تئاتر گذشته تبریز داشته، برگزیده شده است.



شهره‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله جامع علوم انسانی